

تحقیقی درباره کفاره قربانی نکردن در حج تمتع

سید تقی واردی^۱

چکیده

یکی از واجبات حج تمتع، قربانی کردن در سرزمین منا در روز عید اضحی است. طبق آیه ۱۹۶ سوره بقره اگر کسی میسر از انجام آن نباشد، وظیفه قربانی او تبدیل به ده روزه گرفتن می شود. میسر نبودن قربانی صورت های مختلفی دارد که در تمام صورت ها دیدگاه های فقهای عظام موافق یا شبیه یکدیگر است، مگر در صورتی که حج گزار مالی برای خرید قربانی داشته باشد، ولی عین قربانی در مکه یافت نشود.

در این مسئله سه قول نقل شده که از میان اقوال، برجستگی بیشتری دارد و آنها عبارتند از: ۱. مال را نزد کسی ودیعه گذارد و آن شخص به نیابت از او در باقی مانده ذی حجه همان سال و یا در ذی حجه سال بعد، حیوانی خریداری و قربانی کند.

۲. تکلیف او از قربانی به روزه گرفتن تبدیل می شود و نیازی به ودیعه گذاشتن مال نزد کسی نیست.

۳. مخیر است بین ودیعه گذاشتن مال، ده روز روزه گرفتن یا صدقه دادن به اندازه قیمت حیوان.

۱. مدیر گروه پژوهشی سازماندهی اطلاعات و مدارک، پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
wardi@gmail.com

قول دوم که نظر ابن ادریس، محقق حلی و برخی دیگر از فقهای عظام است، با ادله سازگارتر و از جهت عمل قابل اجراتر است.

نویسنده این مقاله را به روش کتابخانه‌ای و به شیوه استدلالی نگاشته است که ضمن تبویب و تعیین فروع مبتلابه، دیدگاه‌های فقهای عظام و ادله آنان را بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: کفاره، قربانی، حیوان، هدی، روزه، تبدیل تکلیف

مقدمه

یکی از واجبات حج تمتع، هدی یا همان قربانی در سرزمین منا است. حاجیان براساس آیه: ﴿... إِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ...﴾ (بقره: ۱۹۶)، بعد از رمی جمره عقبه، باید یکی از انعام سه‌گانه؛ یعنی شتر، گاو و گوسفند را در روز عید اضحی، در سرزمین منا به قصد قربت قربانی کنند. این مسئله قطعی بوده و کلامی در آن نیست، ولی اگر امکان قربانی کردن برای آنان نباشد، تکلیفشان به روزه گرفتن تبدیل می‌شود که سه روز در مکه و هفت روز در وطن باید روزه بگیرند و این کفاره قربانی نکردن آنان در منا است.

پیش از بررسی این مسئله، دو نکته لازم به یادآوری است:

۱. برخی از مسائل فرعی فقه به دلیل ارتباط موضوعی با مسائل دیگر در دو یا بیش از دو باب از کتب فقهی علما بحث می‌شوند؛ مانند ابواب کفاره، روزه، اعتکاف، حج، نذر، قسم، بی‌تابی در مصائب و امثال آن‌ها و در هر جا حکم فرعی مخصوص به خود را دارد. در باره کفارات حج، گرچه غالب فقهای عظام آنها را در کتاب حج بررسی کرده‌اند و در ذیل مباحث کفارات نیآورده‌اند، ولی از نظر عملی و کاربردی برای ارتقای علمی و تجمیع دانایی‌های مبلغان و مکلفان، بسیار شایسته بود در باب مستقل کفارات، به کفارات حج نیز پرداخته می‌شد.

۲. آن‌هایی که مباحث کفارات حج را در منابع فقهی خود بررسی کرده‌اند، بیشترشان

بحث تبدیل تکلیف حاجیان از قربانی به روزه گرفتن در منا را، به دلیل میسور نبودن قربانی، در ذیل مباحث کفارات حج نیاورده‌اند. در حالی که لازم است در مباحث کفارات حج، به کفاره قربانی نکردن در منا نیز می‌پرداختند؛ زیرا قربانی نکردن در حج تمتع، ترک فعلی است که تکلیف دیگری برای حاجیان در پی دارد؛ یعنی باید ده روز روزه بگیرند؛ سه روز در مکه و هفت روز در وطن. این همان جریمه ترک فعل یا کفاره است که شایسته است در ذیل مباحث کفارات در منابع فقهی بررسی شود. البته برخی از فقها؛ مانند شیخ مفید، ذیل باب الکفارات آن را گنجانده‌اند: «والمتمتع بالعمرة إلى الحج عليه لإحلاله بين الإحرامين دم يهرقه مما تيسر له فإن لم يجد دمًا لفقره صام ثلاثة أيام في الحج...» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۷۱)

ما نیز بحث تکلیف قربانی نکردن حاجیان در حج تمتع را ذیل مباحث کفارات آورده‌ایم و به یاری خدا آن را از جهت فقهی بررسی می‌کنیم.

مِیقَاتِ حَجِّ

در شماره ۱۲۵ این مجله (میقات حج)، مباحث کلی کفارات تحت عنوان «مفهوم شناسی کفاره از منظر اسلام» را به عنوان مقدمه و پیش‌درآمدی برای پژوهش مباحث کفارات در حج و عمره بررسی کردیم و در این شماره، یکی از مصادیق مهم آن را - که برای برخی از حاجیان محتمل الوقوع، بلکه محقق الوقوع است - به روش کتابخانه‌ای و با شیوه استدلالی پژوهش می‌کنیم که عبارت است از کفاره قربانی نکردن در حج تمتع.

صورت‌های میسور نبودن قربانی برای حاجیان در حج

با توجه به آیه یاد شده (بقره: ۱۹۶) اگر قربانی کردن برای حاجیان ممکن و میسور نباشد، وظیفه آنان تبدیل به روزه گرفتن می‌شود، ولی میسور نبودن قربانی برای آنان چند صورت دارد که عبارتند از:

۱. حج‌گزار نه مالی برای خرید حیوان دارد و نه حیوانی برای قربانی کردن پیدا می‌کند؛
۲. مالی برای خرید حیوان دارد، ولی حیوان پیدا نمی‌شود؛

۳. حیوان پیدا می‌شود یا امکان فراهم کردنش هست، ولی مالی برای خرید حیوان ندارد، یا مالی دارد که اگر آن را هزینه خرید حیوان کند، برای ادامه سفر حج یا بازگشت به وطن، مشکل پیدا می‌کند. به همین دلیل نمی‌تواند حیوانی در سفر حج خریداری کند. از بین سه صورت گفته شده، صورت‌های اول و سوم تقریباً بین فقها اتفاقی است و اختلاف چندانی میان آنان دیده نمی‌شود، ولی صورت دوم اتفاقی نیست و اختلاف اقوال آنان مشهود است. بنابراین، صورت‌های اول و سوم در حدّ آشنایی خوانندگان و صورت دوم به طور تفصیل بررسی می‌شود:

صورت اول: نه مالی برای خرید حیوان داشته باشد و نه حیوانی برای قربانی یافت شود.

بی‌ترید وظیفه حج‌گزار در این حالت، روزه گرفتن است. او باید سه روز در مکه و هفت روز در وطن روزه بگیرد.

این، قول قاطبة فقها است و در آن اتفاق نظر دارند؛ برای نمونه شیخ طوسی گفته است: روزه گرفتن به جای قربانی جایز نیست، مگر بعد از نبود قربانی و بعد از نداشتن قیمت آن. پس با فقدان آن دو، روزه گرفتن به جای قربانی جایز است.^۱ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۴).

علامه حلی نیز می‌گوید: «پس اگر قادر بر قربانی نباشد و قیمت آن را نیز نداشته باشد، روزه گرفتن واجب می‌شود»^۲ (علامه حلی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۸۰) وی، همچنین این قول را به برخی از فقها، از جمله سید مرتضی نسبت داد، فرموده است: «و نیز سید مرتضی، انتقال قربانی به روزه گرفتن را مشروط کرده به نبود قربانی و نداشتن قیمت آن.^۳ (همان جا)

۱. لايجوز الصيام بدل الهدي إلا بعد عدم الهدي وعدم ثمنه، فان عدمهما جاز له الصوم.

۲. فإن لم يقدر على الهدي ولا على ثمنه، وجب عليه الصوم.

۳. وكذا السيد المرتضى جعل الانتقال الى الصوم مشروطا بعدم الهدي وعدم ثمنه

امام خمینی نیز می‌نویسد: اگر حاجی قادر بر قربانی نباشد؛ یعنی نه خود قربانی برایش فراهم شود و نه قیمت آن، بر او واجب می‌شود بدل قربانی سه روز روزه در حج و هفت روز پس از بازگشت از حج بگیرد.^۱ (امام خمینی، ۱۳۶۶ق، ج ۱، ص ۳۸۴)

دلیل این قول، آیه ﴿إِذَا أُمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ...﴾ (بقره: ۱۹۶)؛ پس از آنکه ترس و منع بر طرف شود، هرکس از عمره تمتع به حج باز آید هر چه میسر و مقدور است قربانی کند و هرکس به قربانی تمکن نیافت، سه روز در ایام حج روزه بدارد و هفت روز هنگام مراجعت، که ده روز تمام شود.

وجه دلالت آن، جمله ﴿فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾ و هم جمله «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ» است؛ زیرا صورت متقن میسر نبودن هدی و همچنین یافت نشدن آن، عبارت است از جایی که حجگزار، نه مالی برای خرید حیوان داشته باشد و نه حیوانی برای ذبح کردن یافت شود. این صورت، چون اجماعی است، نیازی به نقل اقوال فقها و بررسی ادله دیگر آنان نیست.

صورت دوم: مالی برای خرید حیوان داشته باشد، ولی حیوان یافت نشود.

برای این صورت، اقوالی از فقهای عظام نقل شده است که سه قول برجستگی بیشتری دارد. هر سه قول، علاوه بر استناد به آیه یاد شده، برگرفته از برخی روایات است: قول اول: ثمن را نزد کسی ودیعه گذارد تا در مدت باقی مانده ماه ذی حجه همان سال، به نیابت از وی حیوانی را خریداری و در منا قربانی کند و اگر ذی حجه آن سال ممکن نشد، در ماه ذی حجه سال دیگر باید این کار را انجام دهد.

این قول بسیاری از متقدمان و متأخران شیعه است؛ مانند: ابن بابویه و فرزندش شیخ

۱. لو لم يقدر على الهدي، بأن لا يكون هو ولا قيمته عنده، يجب بدله صوم ثلاثة أيام في الحج وسبعة أيام بعد الرجوع منه

صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، ابوالصلاح حلبی، ابن حمزه (سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۶۷۱)، محقق حلی در غیر شرائع، صاحب جواهر و عامه معاصران است (روحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۲، ص ۸۴)، برای نمونه، شیخ صدوق در این باره می‌گوید:

پدرم (علی بن بابویه) در نامه‌ای که برای من نوشت، گفت: اگر قیمت قربانی را داشتی و خود قربانی فراهم نشد، آن مال را نزد مردی از اهالی مکه بگذار تا در همان ماه ذی حجه، قربانی بخرد و از جانب تو آن را ذبح کند. اگر ماه ذی حجه به پایان رسید و او نتوانست از جانب تو قربانی بخرد، آن را به ماه ذی حجه سال بعد تأخیر بیندازد، چون ایام ذبح قربانی وقتش گذشته است^۱ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۱۳).

شیخ مفید نیز تبدیل شدن قربانی به روزه را به فقر و نداشتن مال برای تهیه هدی مقید کرده و فرموده است: پس اگر به خاطر فقر نتوانست قربانی تهیه کند، سه روز در حج و هفت روز بعد از بازگشت از حج روزه بگیرد^۲ (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۷۱). مفهوم کلامش آن است که اگر فقیر نباشد و با مال خود بتواند حیوانی را خریداری کند، تکلیفش به روزه تبدیل نمی‌شود. باید مال خود را نزد کسی ودیعه گذارد که در ذی حجه همان سال یا سال بعد به نیابت از او در منا قربانی کند.

همچنین علامه حلی در این باره می‌نویسد:

اگر قربانی یافت نشود، ولی قیمت آن را دارد، آن را نزد شخص مورد اعتماد بگذارد تا در ذی حجه سال آینده از جانب او قربانی بخرد و ذبح نماید. پس اگر در مدت این ماه ذی حجه تا ماه ذی حجه سال بعد تهیه قربانی برای او فراهم

۱. قَالَ أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي رِسَالَتِهِ إِلَيَّ: إِنْ وَجَدْتَ ثَمَنَ الْهَدْيِ وَلَمْ تَجِدِ الْهَدْيَ فَخَلِّفِ الثَّمَنَ عِنْدَ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ لِيَشْتَرِيَ لَكَ فِي ذِي الْحِجَّةِ وَيَذْبَحَهُ عَنْكَ فَإِنْ مَضَتْ ذُو الْحِجَّةِ وَلَمْ يَشْتَرِ آخَرُهُ إِلَيَّ قَابِلِ ذِي الْحِجَّةِ لِأَنَّ أَيَّامَ الذَّبْحِ مَضَتْ

۲. فان لم يجد دماً لفقره، صام ثلاثة ايام في الحج

شد، جایز است بخرد و ذبح کند و اگر فراهم نشد همان مطلبی که ذکر شد انجام دهد. اما اگر نه قادر بر خود قربانی باشد و نه بر قیمت آن، واجب است به جای آن، روزه بگیرد^۱ (علامه حلی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۸۰).

صاحب جواهر این قول را قول مشهور فقها دانسته و از کتاب الغنیه، نقل به اجماع کرده است (نجفی، ۱۳۶۵ق، ج ۱۹، ص ۱۶۴)

امام خمینی رحمه الله نیز فرمود: اگر حاجی قادر بر ذبح نباشد، باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد. مراد از این که قادر بر ذبح نباشد، آن است که نه هدی داشته باشد و نه پولش را (مظاهری، ۱۳۹۷ش، ص ۴۱۴). مفهوم سخنش آن است که اگر پول هدی را داشته باشد، پس قادر بر ذبح است و تکلیف او تبدیل به روزه نمی شود.

تمام فقهای که نظرشان در حاشیه مناسک حج امام خمینی ثبت و ضبط شده (مانند آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، سبحانی و شبیری زنجانی)، با حاشیه نزدن بر این قول، بر آن صحه گذاشتند و تنها آیت الله جعفر سبحانی حاشیه توضیحی دارد که نوشته است:

مراد از «عدم قدرت در ذبحی که به روزه تبدیل می شود»، عبارت است از این که پول خریدن آن را نداشته باشد و یا نتواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و یا این که مابه‌ازای قرض را جهت ادا در مکه یا وطن نداشته باشد و اما اگر پول خریدن قربانی را دارد، ولی به هر دلیل، مثل نبودن گوسفند یا امر دیگر، نتوانست تا غروب روز سیزدهم قربانی کند، حلق یا تقصیر را انجام دهد و در باره قربانی اگر می تواند تا آخر ذی حجه انجام دهد و در غیر این

۱. إِذَا فَقَدَ الْهَدْيَ وَ وَجَدَ ثَمَنَهُ، خَلَفَهُ عِنْدَ مَنْ يَثِقُ بِهِ حَتَّى يَشْتَرِيَ لَهُ هَدْيًا يَذْبَحُ عَنْهُ فِي الْعَامِ الْمَقْبَلِ فِي ذِي الْحِجَّةِ، فَإِنْ أَصَابَهُ فِي مَدَّةٍ مَقَامَهُ بِمَكَّةَ إِلَى انْقِضَاءِ ذِي الْحِجَّةِ، جَازَ لَهُ أَنْ يَشْتَرِيَهُ وَيَذْبَحَهُ، وَإِنْ لَمْ يَصِبْهُ، فَعَلَّ مَا ذَكَرْنَاهُ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْهَدْيِ وَلَا عَلَى ثَمَنِهِ، وَجِبَ عَلَيْهِ الصَّوْمُ

صورت سال بعد قربانی را ولو با استنابه، در منا انجام دهد (همانجا)

ادله قول اول:

قائلان به قول اول، به سه دسته از ادله استدلال کرده‌اند:

۱. آیه: ﴿إِذَا أُمِنْتُمْ مِّن تَمَتَّعٍ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَن لَّمْ يَجِدْ

فَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ...﴾ (بقره: ۱۹۶)

وجه دلالتش آن است که میسر بودن هدی اطلاق دارد و شامل عین و ثمن آن می‌شود. پس مادام که عین هدی یا ثمن هدی موجود باشد، شخص برای انجام قربانی عذری ندارد و باید قربانی انجام دهد. اگر برای خودش ممکن بود، خودش انجام دهد و اگر برای خودش ممکن نبود، کس دیگر را وادار کند که به نیابت از او در همان ذی حجه یا ذی حجه سال بعد، به نیابت از او حیوانی خریداری کرده و در منا قربانی کند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۳۹)

۲. روایاتی که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است؛ مانند روایت حریز:

امام صادق علیه السلام درباره کسی که حج تمتع انجام می‌دهد و برای قربانی کردن، قیمت آن را دارد ولی خود گوسفند فراهم نمی‌شود، فرمود: قیمت گوسفند را نزد برخی از اهالی مکه بگذارد و از او بخواهد گوسفندی بخرد و ذبح کند. همان برای او مجزی است. اما اگر ماه ذی حجه گذشت و او نتوانست گوسفندی فراهم کند، آن را به ماه ذی حجه سال بعد تأخیر اندازد.^۱ (حرعاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۷۶).

این روایت از جهت سند گرچه حسن است، ولی صاحب جواهر آن را مانند صحیح می‌داند (نجفی، ۱۳۶۷ش، ج ۱۹، ص ۱۶۵)، و از جهت دلالت، صراحت بر تخلیف دارد.

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام في تمتع يجد الثمن ولا يجد الغنم، قال: يخلف الثمن عند بعض أهل مكة ويأمر من يشتري له ويذبح عنه وهو يجزئ عنه، فإن مضى ذو الحجة آخر ذلك إلى قابل من ذي الحجة

همچنین صحیحة نصر بن قرواش از امام جعفر صادق علیه السلام :

نصر بن قرواش گوید: از امام صادق علیه السلام درباره مردی که عمره خود را انجام داد و آماده حج شد، پس بر او قربانی کردن واجب گردید و او حیوانی برای قربانی نیافت، در حالی که وی متمکن و سرحال است، ولی در روزه گرفتن ضعیف است و توان آن را ندارد، چه کاری انجام دهد سزاوار است؟ امام علیه السلام فرمود: در مکه کسی را بیابد و قیمت قربانی را به او بدهد و چون او قصد بازگشت به اهل و عیال خود را دارد، آن شخص در باقیمانده ماه ذی حجه از جانب وی حیوانی بخرد و قربانی کند. پس گفتم: اگر قیمت را نزد کسی در مکه گذاشت ولی او نتوانست تا پایان ماه ذی حجه حیوانی بخرد، ولی بعد ماه ذی حجه فراهم می‌گردد، آیا بخرد و ذبح کند؟ امام علیه السلام فرمود: نه، از جانب او ذبح نکند مگر در ماه ذی حجه. اگر امسال فراهم نشد در ماه ذی حجه سال بعد.^۱ (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۶).

ملاحظات

این روایت از جهت سند صحیح و بلامانع است و از جهت دلالت صراحت دارد که در نزد کسی ودیعه گذارد تا برای او در ذیحجه امسال یا سال بعد انجام دهد، لیکن مورد سؤال در جایی است که شخص از جهت جسمی توان روزه گرفتن را نداشته باشد. این دو روایت مخصص این بخش از آیه هستند: ﴿...فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ...﴾ (بقره: ۱۹۶) که به طور مطلق فرمود: اگر هدی نیافت، سه روز در ایام حج و هفت روز بعد از بازگشت به وطن روزه بگیرد. تخصیص آن به این جهت است که اگر هدی یافت نشود ولی ثمن آن موجود باشد، در ذیل این حکم

۱. قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل تمتع بالعمرة إلى الحج فوجب عليه النسيك فطلبه فلم يجد وهو مؤسر حسن الحال، وهو يضعف عن الصيام، فما ينبغي له أن يصنع؟ قال: يدفع ثمن النسيك إلى من يذبح بمكة إن كان يريد الماضي. إلى أهله وليذبح عنه في ذي الحجة، فقلت: فإنه دفعه إلى من يذبح عنه فلم يصب في ذي الحجة نسكا وأصابه بعد ذلك، قال: لا يذبح عنه إلا في ذي الحجة، ولو أخره إلى قابل.

قرار نمی‌گیرد.

۳. دلیل عقلی: علامه حلی نافع بودن قربانی به حال مستمندان و فقرا را نیز دلیل ارجحیت این قول دانسته و در این باره نوشته است: «چون قربانی کردن نافع‌تر به حال فقرا است، پس مشروعیت آن سزاوارتر است»^۱ (علامه حلی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۸۲).

به هر روی، بنا بر این قول اگر حج‌گزار ثمن هدی را داشته باشد، گرچه در زمان قربانی عین هدی برای وی موجود نباشد، تکلیف او به روزه تبدیل نمی‌شود، بلکه زمانی تبدیل می‌شود، که نه عین هدی برای او فراهم باشد و نه ثمن آن.

قول دوم: نیازی نیست ثمن را به کسی بسپارد تا به نیابت از او در همین سال یا سال بعد حیوانی را بخرد و قربانی کند، بلکه با یافت نشدن عین هدی، فرض قربانی او منتقل به فرض روزه‌اش می‌شود.

از متقدمین، ابن ابی عقیل در این باره گفته است: «شخصی که حج تمتع انجام می‌دهد، اگر حیوانی برای قربانی کردن نیابد بر او واجب است روزه بگیرد»^۲.

علامه حلی این قول را مؤید نظر خود و دسته اول از فقها آورد که وقتی نه مالی برای خرید حیوان داشته باشد و نه هدی یافت شود، قربانی او به روزه تبدیل می‌شود. (علامه حلی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۸۱) ولی برداشت او با اطلاق کلام ابن ابی عقیل سازگاری ندارد و فتوای او با همین قول (تبدیل قربانی به روزه) سازگارتر است. در هر صورت این قول نظر معروف ابن ادریس است و محقق حلی نیز با آن موافق است و برخی دیگر از فقها نیز به آن فتوا داده‌اند.

ابن ادریس در این باره می‌گوید:

«فإن لم يقدر على الهدي، ولا على ثمنه، وجب عليه صيام عشرة أيام، والأظهر الأصح،

۱. ولأنه أنفع للفقراء، فكانت مشروعيته أولى

۲. المتمتع إذا لم يجد هدياً، فعليه صيام

أنه إذا لم يجد الهدى، و وجد ثمنه، لا يلزمه أن يخلفه، بل الواجب عليه إذا عدم الهدى، الصّوم، سواء وجد الثمن، أو لم يجد، لأن الله سبحانه، لم ينقلنا عند عدم الهدى، إلا إلى الصوم، و لم يجعل بينهما واسطة، فن نقلنا إلى ما لم ينقلنا الله تعالى إليه، يحتاج إلى دليل شرعي» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۹۲).

محقق حلی نیز در این باره گفته است:

«من فقد الهدى و وجد ثمنه، قيل يخلفه عند من يشتريه طول ذي الحجة وقيل ينتقل فرضه إلى الصوم، و هو الاشبه». (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۳۶)

صاحب مدارک نیز قول ابن ادریس را به نحوی تأیید کرده، می نویسد: «و الحق أن كلام ابن إدريس جيد على أصله، بل لولا ما ذكرناه من قوة إسناد الروایتين، لتعين المصير إليه». (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۴۸).

ادله قول دوم:

دلیل اصلی گفتارشان همان آیه معروفه در این حکم است که فرمود: ﴿إِذَا أُمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ...﴾. (بقره: ۱۹۶)

وجه دلالتش آن است که یافت نشدن هدی «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ» عمومیت داشته و فقد هدی شامل واجد ثمن و فاقد ثمن می شود. مراد آن است که در روز قربانی، امکان تهیه هدی نباشد؛ اعم از اینکه حیوانی یافت نشود یا حیوان وجود دارد ولی شخص مالی برای خرید آن نداشته باشد؛ در هر دو صورت، وظیفه او تبدیل به روزه می شود.

علاوه بر آن روایتی است که در این خصوص وارد شده است:

عن أبي بصير، عن أحدهما عليهما السلام قال: سألته عن رجل تمتع فلم يجد ما يهدي حتى إذا كان يوم النفر وجد ثمن شاة أيذبح أو يصوم؟ قال: بل يصوم، فإن أيام الذبح قد مضت (حرعاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۷۷)

ابن ادریس به این دلیل بسنده کرد که خداوند متعال وظیفه ما را هنگام یافت نشدن هدی، روزه گرفتن قرار داده است. اگر بخواهیم به غیر آنچه خدا برای ما قرار داده، چیز دیگری قرار دهیم، نیاز به دلیل شرعی دارد. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۹۲)

مضافاً اگر شک و تردید برای انسان به وجود آید، اصالة البرائة جاری می شود، همانگونه که نجم الدین حلی در ترددات شرائع الاسلام به آن اشاره کرده است: «والقول الثاني ذهب إليه المتأخر، عملاً بأصالة براءة الذمة من وجوب التخلف». (نجم الدین حلی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۹۲)

قول سوم: تخییر حج گزار بین روزه گرفتن یا ودیعه گذاشتن ثمن نزد کسی برای قربانی کردن در ماه ذی حجه آن سال یا سال بعد است.

دلیل این قول آنگونه که صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۷ش، ج ۱۹، ص ۱۶۶) فرموده، روایت امام موسی بن جعفر علیه السلام است:

عن عبد الله بن عمر قال: كنا بمكة فأصابنا غلاء في الأصاحي فاشترينا بدینار، ثم بدینارین، ثم بلغت سبعة، ثم لم توجد بقليل ولا كثير. فوقع هشام المكاربي رقعة إلى أبي الحسن عليه السلام فأخبره بما اشترينا ثم لم نجد بقليل ولا كثير، فوقع انظروا إلى الثمن الأول والثاني والثالث ثم تصدقوا بمثل ثلثة (حرعاملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۷۲).

این روایت دلالت دارد اگر هدی برای خرید یافت نشود، قیمت آن را تصدق کند. منتهی اگر پرسیده شود چه مقدار تصدق کند؟ امام علیه السلام فرموده است: بین قیمتهای اول، دوم و سوم میانگین بگیرد؛ مثلاً اگر قیمت اول یک دینار، قیمت دوم دو دینار و قیمت سوم سه دینار باشد، جمع آنها می شود شش دینار، که اگر تقسیم بر سه شود، می شود دو دینار که باید صدقه دهد.

به نظر می آید که این، قول چهارم در مسئله باشد. به این معنا که اگر هدی برای قربانی یافت نشود، قیمت آن صدقه داده شود و بحث تخییر در آن نیامده تا صاحب جواهر این

روایت را وجه جمع با روایات دیگر بیان کرده و از آن تخیر استنتاج کرده باشد.

به هر روی شهید اول قول به تخیر را به ابن جنید نسبت داده فرموده است: «خیر ابن الجنید بینهما و بین الصدقة بالوسطی من قيمة الهدی تلك السنة (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۳۹)

فاضل مقداد نیز این قول را تقویت کرده، فرموده است: «و أما ابن الجنید فحكم بالتخیر بین تخلیف الثمن و بین الصوم، و هو غیر بعید من الصواب، بل هو أقوى». (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۹۳)

مقدس اردبیلی نیز تلویحاً تخیر را تأیید کرده فرموده است:

و يمكن التخییر ان وجد القائل و يؤید ظاهر القرآن و الاخبار التعجیل فی العبادات و أنه قد لا یتفق فی قابل آخر و هكذا فیلزم تعطیل الحكم و أنه قد لا یذبح و یفرط فی الثمن إذ ما شرط فی الخبر عدالة من تخلف عنده. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۲۹۳)

مباحث

مجلسی اول نیز در تعارض بین دو دسته روایات نسبت به قول تخیر تمایل نشان داد و فرمود: «(فأما) ما یعارضه من أخبار الصوم فی ذی الحجة و إن أصاب الثمن فیها (فمحمولة) علی التخییر (أو) علی أنه وجد الثمن بعد صیام الثلاثة». (مجلسی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۲۰۵)

نظر مختار

به نظر می‌رسد قول دوم (قول معروف ابن ادريس و محقق حلی) صحیح باشد؛ به این معنا که با یافت نشدن عین هدی در ایام تشریق و حتی تا پایان ماه ذی حجه، وظیفه حج‌گزار تبدیل به روزه گرفتن می‌شود؛ اعم از این که ثمن هدی را داشته باشد یا نداشته باشد. در هر دو صورت، تکلیف او تبدیل به صوم می‌شود.

دلیل اصلی این قول از جهت نقلی اطلاق آیه (بقره : ۱۹۶) و همین‌طور روایت ابی بصیر است: «عن أبي بصير، عن أحدهما عليه السلام قال: سألته عن رجل تمتع فلم يجد ما يهدي، حتى إذا كان يوم النفر وجد ثمن شاة، أیذبح أو یصوم؟ قال: بل یصوم، فإن أيام الذبح قد مضت».

(حرعاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۷۷)

امام علیه السلام در این روایت امر به صوم کرده، در حالی که ابوبصیر پرسیده: «شخص ثمن هدی را دارد، با این حال، امام علیه السلام فرمود تکلیف وی به روزه گرفتن تبدیل می شود.

از جهت عقلی حج یک عبادت فراگیر است و در سال میلیونها نفر از سراسر جهان به مکه می آیند و عازم منا می شوند. پیدا کردن شخص قابل اعتماد در مکه برای حاجیانی که از راه دور آمده اند، اگر محال نباشد، بسیار سخت و حرج آور است و هیچ گاه اسلام مردم را در حرج و سختی قرار نمی دهد؛ به ویژه اگر فرض شود در سالی حیوان برای منا آورده نشود یا تعداد اندکی آورده شوند و صدها هزار حج گزار امکان قربانی کردن نداشته باشند، در این صورت آیا عملاً ممکن است که آنان مال خود را نزد کسی در منا یا مکه ودیعه گذارند که آن سال یا سال بعد برایشان قربانی کنند؟ مقتضیات زمان و مکان حکم می کند که در چنین مواردی مردم را با مشکلات و اما و اگرها دچار نکنیم و راه آسان تر برایشان معرفی کنیم که از متن قرآن و احادیث به دست می آیند.

علاوه براین، عرف مردم از میسور نبودن هدی در روز قربانی، همان معنای عام را درک می کنند که شامل هر دو صورت میسور نبودن می شود:

۱. حیوانی برای قربانی کردن یافت نشود؛

۲. حیوان یافت می شود، ولی ثمن برای خرید آن وجود ندارد.

بنا بر این، چه هدی یافت نشود و چه مالی برای خرید هدی نداشته باشد، در هر دو صورت، وظیفه مکلف از قربانی کردن به روزه گرفتن تبدیل می شود.

از جهت اصول عملی نیز اگر انسان بعد از یافت نشدن عین هدی در مکه و منا، در باقی بودن تکلیف قربانی شک کند. با توجه به آیه یاد شده که می فرماید: «اگر حیوان یافت نشود، ده روز روزه بگیرد، اصل برائت جاری می شود و رفع تکلیف قربانی می کند. بدین جهت، قول ابن ادریس و سایر قائلان به تبدیل تکلیف، درست به نظر می آید.

اما آن دو روایتی که برای قول اول به آن‌ها استناد شده، جمله «و هو یضعف عن الصیام» در روایت نصر بن قرواش است و بر صورتی دلالت دارد که حج‌گزار به دلیل ضعف در روزه‌گیری، امکان روزه گرفتن برای او نباشد. مفهومش آن است که اگر توان روزه گرفتن داشته باشد، فرض قربانی او تبدیل به فرض روزه گرفتن می‌شود، نه این که قیمت هدی را پیش کسی امانت بگذارد که در ذی حجه همین سال یا ذی حجه سال بعد برایش قربانی کند. هم‌چنین در روایت حریز، گرچه ضعف جسمی حج‌گزار در آن اشاره نشده، ولی به قرینه مشابه بودن این دو روایت به جایی حمل می‌شود که برای شخص، امکان روزه گرفتن نباشد. در آن صورت است که باید مال خود را نزد کسی امانت بگذارد تا در بقیه روزه‌های ذی حجه همین سال تا سال دیگر به نیابت از او، قربانی کند.

اما قول سوم، که نظر بر تخییر دارد، اولاً بین کلام قائلین به این قول، تزلزل وجود دارد؛ چون برخی مانند ابن جنید تخییر بین ودیعه گذاشتن مال و یا روزه گرفتن با صدقه دادن را گفته‌اند و برخی دیگر مانند فاضل مقداد مخیر کرده بین ودیعه گذاشتن مال و روزه گرفتن. ثانیاً روایتی که به آن استناد شده، به تخییر اشاره ندارد، بلکه به نظر چهارم دلالت دارد؛ یعنی با یافت نشدن هدی، قیمت میانگین آن را صدقه دهد. ولی چون این حکم با آیه که امر به صوم کرده، مطابق نیست، بدین جهت حمل بر حالتی می‌شود که شخص مال دارد ولی حیوان برای قربانی یافت نمی‌شود و او توان روزه گرفتن نیز ندارد یا حمل بر استحباب می‌شود؛ یعنی علاوه بر روزه گرفتن مستحب است به مقدار قیمت هدی، مال خود را تصدق کند؛ به همین دلیل، نظر صائب آن است که اگر در ایام ذی حجه هدی برای حج‌گزار فراهم نشد، وظیفه‌اش به روزه تبدیل می‌شود؛ سه روز در مکه و هفت روز در وطن؛ همان‌گونه که محقق حلی و ابن ادریس و برخی دیگر از فقها فرموده‌اند.

صورت سوم: عین هدی یافت شود، ولی حج‌گزار مالی برای خرید آن نداشته باشد.

این صورت چهار حالت دارد:

۱. مالی برای خرید هدی نداشته باشد و امکانی برای قرض کردن و یا فروش مئونه زاید بر سفر برای وی نباشد. در این حالت تکلیف قربانی او به روزه گرفتن تبدیل می شود. همان گونه که شیخ مفید فرمود: «إِذَا لَمْ يَجِدْ الْمُتَمَتِّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ ثَمَّنَ الْهَدْيَ لِإِعْسَارِهِ، فَعَلَيْهِ أَنْ يَصُومَ بَدَلَ ذَلِكَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُكَ تِلْكَ عَشْرَةً كَامِلَةً...» (بقره: ۱۹۶) است که به

دلیل آن، آیه «إِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةً كَامِلَةً...» (بقره: ۱۹۶) است که به آن صراحت دارد. فقها در آن متفق القول هستند.

۲. مالی برای خرید هدی نداشته باشد، ولی امکان قرض کردن برای او باشد، در این صورت اگر بدون مشقت و تکلف می تواند از کسی یا از جایی قرض کند و در وقت خودش ادا کند، واجب است قرض کند و قربانی انجام دهد و نوبت به روزه گرفتن نمی رسد؛ چون میسر بودن قربانی برای او محقق می شود. اما اگر امکان قرض کردن برای شخص نباشد یا امکان داشته ولی مشقت و تکلف دارد یا حتی مشقت و تکلف نداشته، ولی نمی تواند در زمان مقرر ادا کند، قرض کردن بر وی واجب نیست و تکلیف او به روزه گرفتن تبدیل می شود؛ چون در این صورت، وی میسر از هدی نیست.

امام خمینی در این خصوص می نویسد: «لو كان قادراً على الاقتراض بلا مشقة وكلفة و كان له ما يآزاء القرض - أي كان واجداً لما يؤدى به - وقت الأداء وجب الاقتراض و الهدى». (امام خمینی، ۱۳۶۶ق، ج ۱، ص ۳۸۴)

۳. مال برای خرید هدی ندارد، ولی امکان فروش مئونه زائد بر سفر برای او باشد، در این صورت نیز اگر اسباب و لوازم سفر، که می تواند بدون آن ها به سفرش ادامه داده و به وطن برگردد، امکان فروش داشته باشند، آن ها را بفروشد و هدی تهیه کند، تکلیف او به روزه تبدیل نمی شود. امام خمینی در این باره فرمود: «ولو كان عنده من مؤن السفر زائداً على حاجته ويتمكن من بيعه بلا مشقة وجب بيعه لذلك، ولا يجب بيع لباسه كائناً ما كان ولو باع

لباسه الزائد وجب شراء الهدي والأحوط الصوم مع ذلك». (امام خمینی، ۱۳۶۶ق، ج ۱، ص ۳۸۴)

۴. حج گزار ثمن هدی را ندارد، ولی برای وی امکان دارد که تکسب و درآمدزایی کند؛ مثلاً کارهای خدماتی در طول سفر حج انجام دهد یا برای قربانی کردن اجرت بگیرد و امثال آن‌ها. در این صورت آیا بر وی واجب است برای تأمین ثمن هدی چنین کارهایی انجام دهد؟ بی تردید انجام چنین کارهایی برای سودآوری بر او واجب نیست. ولی اگر انجام دهد و به اندازه ثمن هدی مالی به دست آورد، قربانی کردن بر او واجب می شود و تکلیف او به روزه گرفتن تبدیل نمی شود؛ چون در این صورت میسر بودن قربانی برای وی تحقق پیدا می کند. امام خمینی در این باره فرموده است: «لا یجب علیه الکسب لثمن الهدی، ولو اکتسب و حصل له ثمنه یجب شرائه». (امام خمینی، ۱۳۶۶ق، ج ۱، ص ۳۸۴)

نتیجه گیری

در جایی که برای حج گزار در حج تمتع قربانی کردن امکان نداشته باشد، تکلیف قربانی او بر اساس آیه «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ...» (بقره: ۱۹۶) به روزه گرفتن تبدیل می شود، که سه روز را در مکه و هفت روز را در وطن باید روزه بگیرد. در کلیت این مسئله بحثی بین فقها نیست، اما در جزئیات آن، بحث ها و گفتار متعددی بین آنان وجود دارد؛ از جمله اینکه امکان نداشتن عمل قربانی برای حاجیان در منا، سه حالت دارد:

حالت اول: حج گزار نه مالی برای خرید قربانی داشته باشد و نه حیوانی برای قربانی کردن یافت شود. در این حالت اتفاق و اجماع فقهای عظام آن است که تکلیف او به روزه گرفتن تبدیل می شود و در آن اختلافی ندارند.

حالت دوم: حج گزار مالی برای خرید حیوان داشته باشد، ولی حیوانی برای خرید یافت نشود. در این حالت میان فقها اتفاق و اجماعی نیست و اقوال متعددی برای آن نقل شده است که سه قول برجستگی بیشتری دارد که عبارتند از:

۱. مال را به عنوان ودیعه نزد شخص امینی بگذارد تا در باقیمانده ماه ذی حجه همین سال، یا ذی حجه سال بعد برای او حیوانی خریداری و به نیابت از او در منا قربانی کند.

۲. نیازی به ودیعه گذاشتن مال نیست و با یافت نشدن حیوان، تکلیف او به روزه گرفتن تبدیل می شود.

۳. حج گزار مختار است بین ودیعه گذاشتن مال یا روزه گرفتن یا صدقه دادن به مقدار قیمت قربانی.

با توجه به دلالت آیه فوق و احادیث موجود در این باب و از جهت عقلی ممکن نبودن ودیعه گذاری مال نزد اهالی مکه و حداقل حرجی بودن آن برای حاجیان و همین طور با امکان استناد به اصل عملی برائت در جایی که عین هدی یافت نشود، قول دوم صحیح و قابل عمل است.

البته اگر برای او امکان قرض کردن و پرداخت راحت بدهکاری و هم چنین امکان فروختن مئونه زائد بر سفر باشد، واجب است قرض کند یا اشیای زائد بر سفر خود را بفروشد و حیوانی تهیه و در منا قربانی کند.

اما تکسب کردن برای تأمین خرید حیوان بر او واجب نیست، ولی اگر تکسب کرد و مالی به اندازه خرید حیوان برایش فراهم شد، واجب است حیوان را تهیه و در منا قربانی کند. در این صورت تکلیف وی در جای خود باقی و تبدیل به روزه گرفتن نمی شود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد، (۱۴۱۰ق) السرائر، ۳ جلد، انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، چاپ دوم.
۲. امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۶۶ش.)، تحریر الوسيلة، ۲ جلد، تهران، مکتبه اعتماد الکاظمی، چاپ ششم.
۳. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، [بی تا]، وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة، ۲۰ جلد،

- بیروت، دار احیاء التراث العربی، لبنان.
۴. روحانی، سید صادق حسینی، [بی تا]، فقه الصادق علیه السلام، ۲۶ جلد.
۵. سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، (۱۴۲۷ق)، ذخیره المعاد، ۲ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، چاپ اول.
۶. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۲۳ق)، فقه الحج، ۴ جلد، قم، مؤسسه حضرت معصومه علیها السلام، چاپ دوم.
۸. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، ۶ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۰. عاملی، محمد بن علی، (۱۴۱۱ق)، مدارک الأحکام في شرح عبادات شرائع الإسلام، ۸ جلد، بیروت، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۵ق)، مختلف الشیعة، ۹ جلد، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۲. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۴۰۴ق). التفتیح الرائع لمختصر الشرائع، ۴ جلد، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
۱۳. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین في شرح من لا یحضره الفقیه، ۱۳ جلد، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، چاپ دوم.
۱۴. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ۴ جلد، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم.
۱۵. مظاهری، منصور، (۱۳۹۷ش)، مناسک حج مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و مراجع معظم تقلید، یک جلد، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری مشعر.
۱۶. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، المقنعة، یک جلد، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول.

۱۷. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، ۱۴ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
۱۸. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۷ش)، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، تهران، المكتبة الاسلاميه، چاپ سوم.
۱۹. نجم الدين حلی، جعفر بن زهدری، (۱۴۲۸ق)، إيضاح ترددات الشرائع، دو جلد، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله، چاپ دوم.